

من يرد الله به خير ا يفقهه  
في الدين.

(حديث شريف)

"کسی که خداوند به او اراده خیر فرماید  
اور ا در امور دین داشتمند می سازد"

# فقه

## اسلامی

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○  
وَسِئِرْ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُّ عَقْدَةً  
مِنْ لَّسَانِي ○ يَفْقِهُوا قَوْلِي ○  
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره ! زما سینه را پراخه کوه !  
او زما امر (درسالت) را ته آسان کوه ! او زما  
له زی خخه غوته پرانیزه ! چې (خلک) زما په  
خبرو (بنه) و پوهه بیوی."

اکتوبر 2011

ذوالقعدة

شماره یک صد و هفتاد

خانه های اسلامی برای علاج مسلمانان و نجات شان از  
شفا خانه ها و مؤسسات تبشيری.

### حکم فروش مسجد

مجمع فقهی کنفرانس اسلامی جواب میدهد :  
جوز است فروش مسجد اگر از آن استفاده نشود و  
مسلمانان از جای که مسجد است به جای دیگر انتقال  
نمایند و یا ترس آن باشد که کفار مسجد را بعد از هجرت  
و یا نقل مکان شان بگیرند . از پول مسجد که فروخته  
میشود محل دیگر برای مسجد خریداری شود .

سؤال: اگر در دلم شک آید که آیا نماز را خوانده ام یا  
نه، چه باید کنم؟

جواب(ابن باز، الفتاوى) اگر در نمازهای فرضی انسان  
شک نمود که اداء نموده یا خیر، واجب است که به اداء آن  
قیام نماید چنانکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود :  
(من نام عن الصلاة آو نسيها فليصلها إذا ذكرها لا كفارة  
لها إلا ذلك ) . اگر کسی در وقت نماز خواب باشد و یا  
فراموش نموده باشد نماز را وقتی که بیاد آورد نماز  
بخواند و کفاره ندارد .

بالای مسلمان واجب است که در اداء نماز توجه خاص  
داشته باشد و نماز را در وقت آن و در جماعت اداء کند

### مسائل و احکام فقهی

تعمیر مساجد و مدارس در کشورهای غیر  
اسلامی از پول زکات

سؤال: بعضی علمای معاصر اجازه میدهند که از پول زکات  
میشود در بناء مساجد و شفا خانه و مدارس و غیره اعمال  
خیریه مصرف شود و حجت این دسته از علماء در این است که  
تمام این اعمال خیریه در معنی (سبیل الله) که آیه کریمه  
صرف زکات را تعیین نموده شامل است.

دکتور یوسف القرضاوی جواب میدهد :  
تأسیس مدارس در وقت عادی یک عمل خوب و صالح و  
قابل شکر است لیکن بدرجه جهاد نمی باشد یعنی مساوی به  
جهاد نیست.

لیکن اگر در کشوری که اداره تعلیم آن بدست مبشرین  
(کسانی که به مسیحیت دعوت میکنند) و کمونستها و  
سیکولرها که طرفدار جدائی دین از دولت اند و بی دین ها  
باشد در این حالت تأسیس و ساختن مدارس اسلامی از  
بالاترین درجه جهاد به حساب می آید تا اولاد مسلمانان آنچه  
از دین در امور دنیا و آخرت احتیاج دارند تعلیم بگیرند و  
اولاد مسلمانان از تخریب و انحرافات فکری و اخلاقی حفظ  
شوند و مطالب زهرآلود کتابهای که باعث انحراف اذهان  
شاگردان می شود در امان بمانند.

و مثل مدارس می توان گفت تأسیس کتابخانه برای مطالعه  
در مقابل کتابخانه های تخریب کننده و همچنان بنای شفا

جواب: خارج شدن بول اگر چه یک قطره نیز باشد و ضوء را ناقص میسازد چنانچه ابی هریره حدیث رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را در موضوع روایت میکند که: خداوند نماز یکی از شما را قبول نمیکند اگر وضوء اش شکسته شده باشد تا وقتیکه وضوء نکند.

مگر اگر بول بشکل مستمر خارج شود و انسان خارج شدن آنرا ممانعت کرده نتواند که این مریضی بنام (سلس بول) یاد میشود و یک حالت استثنائی و عذر بوده که بقدر ضرورت و رفع مشکلات اجازه خاص را برای خود دارد زیرا الضرورات تبیح المحظورات و المشقہ تجلب التیسر ضرورت محظورات را مباح میسازد و مشقت یا زحمت جلب میکند آسانی را.

حکم کسیکه به این مرض (آمدن استمرار ادرار) و خارج شدن بوی و جریان خون بطور دائمی (مثل استمرار آمدن خون بعد از وقت مریضی زنانه و استمرار خون بعد از مدت ولادت) نسبت به حالت عادی فرق میکند زیرا حالت غیر عادی است.

در مذهب حنفی آمده که در حالات فوق الذکر در وقت هر نماز فرض وضوء شود و به همان وضوء هر قدر نماز نفل و فرض بخواند صحیح است و اگر قرضی (قضایی) فرائض را بخواند نیز صحیح می باشد و وضوء بعد از ختم نماز باطل میگردد و این حکم را امام ابو حنیفه و امام محمد کرده اند و در نزد این دو امام شخص باید در وقت نماز (فرض) بعدی تجدید وضوء کند.

اما لباس که بواسطه خارج شدن بول نجس میشود میگویند که شسته نمیشود زیرا قلیل یا اندک نجاست اگر بقدرت کف دست باشد عفو میشود و به همین ترتیب زیادتر از آن نظر به ضرورت عفو دارد زیرا عذر که سلس بول است وضوء را نقض نمیکند پس بدین معنی نجاست حکمی نیست و همچنان میگویند که اگر از مقدار و اندازه عفو زیادتر باشد شسته شود اگر هر لحظه بول خارج نشود در غیر آن شستن لباس لازم نیست و این حکم را مشایخ مذهب حنفی اختیار نموده اند و در (البدائع) تصحیح کرده اند.

زیرا نماز ستون اسلام و یکی از مهمترین فرائض بعد از شهادتین است و خداوند سبحانه می فرماید: (حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى و قوموا لله قاتلين \* البقرة: 238). مواظیبت نمائید بر همه نمازها و (مخصوصاً) نمازو سطی (نماز عصر و یا بهترین نماز) و بحضور خداوند (در نماز) با ذکر و خشوع ایستاده شوید.

و همچنان خداوند سبحانه می فرماید: (و أقيموا الصلاة و آتوا الزكاة و اركعوا مع الركعین \* البقره: 43). و بر پا دارید نمازرا و ادا کنید زکات را، و نماز گزارید با نماز گزاران.

سؤال: در اثناء نماز شک داشتم که سوره فاتحه را نخوانده ام آیا سجده سهو کنم؟ و در سجده سهو کدام دعا را بخوانم؟ جواب (ابن باز، الفتاوى) اگر در نماز منفرد اند و یا امام در نماز جماعت در خواندن سوره فاتحه شک کرد قبل از رکوع آنرا بخواند و درین صورت سجده سهو نیست و اما اگر بعد از ختم نماز شک در خواندن سوره فاتحه نمود توجه نکند نمازش صحیح است.

در سجده سهو سبحان ربی الأعلى و غیر از آن خوانده میشود و این دعا است.

**حکم نماز برای کسیکه شک کند که سوره فاتحه را خوانده است یا نه؟**

**جواب از کتاب (الفتاوى)، جزء اول از شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز).**

اگر نماز گزار (منفرد و یا امام در جماعت) شک کند که سوره فاتحه را خوانده است یا نه، درین حالت قبل از رکوع سوره فاتحه را بخواند و سجده سهودر این حالت نیست .... و لیکن اگر بعد از آنکه نمازش را تمام کرد شک نمود و متوجه نشده بود نمازش صحیح میباشد. در سجده سهو همان دعا و ذکر که در تمام سجده های نماز گفته می شود باید گفت مانند: سبحان ربی الأعلى.

**حکم خارج شدن بول بصورت غیر طبیعی آن**

**شیخ عبدالحمید کشک جواب میدهد:**

سؤال: شخصی که از وی بدون اراده اش بول همیشه خارج میشود، خصوصاً در زمستان، آیا در این حالت وضوء باطل میشود؟ آیا در وقت هر نماز لباس خود را بشوید؟

استاد دکتور عبدالستار سیرت

## فلسطین و قدس و مسجد اقصی

و ثایق تاریخی ثابت میکند که فلسطین و قدس تاریخ بیش از 6 هزار ساله دارد و نام فلسطین و قدس رمز قدسیت و عقيدة دینی برای ادیان سماوی است. و دلهای اتباع تمام ادیان سماوی بسته و وابسته به این سمبول قداست بوده به حکم موقعیت استراتیجیک و احتوای عناصر مهم تمدن بشری انتظار و اطماع اقوام و طوایف مختلف دیگر نیز متوجه این منطقه بوده است.

در نخستین مراحل تاریخ این منطقه که حدود سه هزار و پنجمص سال قبل از میلاد می‌شود، کنعانی‌ها و یوسی‌ها از سلاله‌عربی در این سرزمین اقامت داشتند. چنانکه اشاره به آنها در قرآن کریم و ذکر شان در احادیث مبارک نبوی -صلی الله علیه و سلم - وارد شده است. از اینرو فلسطین و قدس برای عرب و مسلمان‌ها تاریخ حیات و تاریخ دیانت شانرا تشکیل می‌نماید. بعد از کنunanی‌ها و یوسی‌ها، (عبرانی‌ها) که یک سلاله یهودی است در قرن دوازدهم قبل از میلاد وارد این سرزمین شدند و در حدود هفتاد سال آنرا در تحت اداره خود داشتند.

بعد از عبرانیها دولت فارس در سال (576) قبل از میلاد بران هجوم آورد و اسکندر کبیر مقدونی در سال (332) قبل از میلاد با قوای بزرگ خود در آن داخل شد و با لآخره روم‌ها در سال (70) میلادی بر آن هجوم برداشتند. مهم‌اینست که در هر یک از این برخوردها اهالی عرب قدس از آن دفاع نموده و مهاجمین را بیرون رانده اند و صبغة عربی این سرزمین را حفظ کرده اند؛ تا آنکه در قرن ششم میلادی دوره فتح اسلامی فرا می‌رسد و خلیفه دوم اسلام حضرت عمر فاروق (رضی الله عنہ) شخصا شهر قدس را از (صفرونيوس) پتريارک قدس تسلیم می‌شود و حکم اسلامی در قدس الی قرن ششم هجری دوام میکند و در طول این صد ها سال حکم اسلامی اتباع تمام ادیان سماوی از آزادی کامل اجرای شعائر دینی شان مانند مسلمان‌ها بر خور دار بودند و

فلسطین و قدس بحیث مرکزلهای مؤمنین و قبله و مزار پیروان سائر ادیان، و سرزمین آشتی و صلح و تفاهم و تعاون شناخته شده بود. تا آنکه حملات صلیبی صادر شده از اروپا استقرار فلسطین و قدس را برهم می‌زند و تسلط نصرانی در بیت المقدس قائم می‌گردد و سپس فلسطین و قدس توسط صلاح الدین ایوبی با قربانی ده ها هزار مسلمان در معرکه حطین (583 هجری) دوباره فتح می‌شود و حکم اسلامی مجددأ اعاده می‌گردد. از سال های 1516 الی 1917 سرزمین قدس و فلسطین متوالیاً تابع امپراطوری عثمانی بود و پیروان هر سه دیانت آسمانی در سایه حکم اسلامی در امن و آرامی و آزادی زیست داشته و ورود اتباع این دیانتات را از هر نقطه جهان به منظور ادائی مناسک دینی و شرفیابی به زیارت اماکن مقدس شان استقبال می‌نمودند.

بعد از جنگ جهانی دوم هجرت یهود از نقاط مختلف جهان به فلسطین افزایش یافت و هنگامیکه وجود شانرا در سایه حمایة بریتانیه تقویه نمودند، دولت اسرائیل را در (1948) مطابق وعده (بلفور) وزیر خارجه بریتانیه اعلام کردند.

از چهاردهم می 1948 الی چهاردهم می 2010 شصت و دو سال میگذرد و جلب و جذب و اسکان یهود از تمام جهان و ضرب و قتل و اخراج مسلمان‌ها و اهل فلسطین از خانه و کاشانه و وطن شان پیوسته ادامه دارد. نه حقوق تاریخی و نه ملکیت جغرافی و نه کرامت انسانی کمترین ارزشی در نظر این حکومت ندارد. ملت فلسطین در تمام جهان یگانه ملتی خواهد بود که دو نسل کامل آن در کمپ‌های پناهندگی و در عذاب و محرومیت و آوارگی در خارج از سرزمین آبایی شان بسر می‌برند. و تا هنوز که قرن 21 است و نغمه‌های فریبنده آزادی و حقوق بشر از هر طرف شنیده می‌شود، 6 میلیون فلسطینی در خارج از کشور شان و بیشتر در چهار کشور عربی مجاور (اردن، سوریه، مصر، لبنان) زندگی دارند و حق عودت به کشور شانرا نیزندارند و آن قسمتی که در داخل فلسطین در محاصره بسر می‌برند نه بخارج راه دارند و در دو جزء از

## مسجد مبارک اقصی :

قضیه سیاسی فلسطین به ارتباط تشکیل دولت مستقل و تأمین صلح میان اسرائیل و فلسطین بنام قضیه سیاسی شرق میانه بیشتر از نیم قرن به اینطرف در حلقه های سیاسی جهان در شرق و غرب و مجتمع عمومی و شورای امنیت مؤسسه ملل متعدد به سویه های مختلف بحث می شود. این مراجع گاهی قضیه را از دیدگاه محلی و در چوکات فلسطین و اسرائیل می بینند، و زمانی آنرا در چارچوب کشور های مجاور عربی و گاهی هم بحیث قضیه عربی در سطح جهان عرب تلقی می نمایند. مطلب بزرگی که اساس قضیه را از نظر اسلامی تشکیل می نماید موضوع (مسجد مبارک اقصی) است. به خاطر همین مسجد مبارک است که شهر قدس وصف قداست میباید و مسجد اقصی با مسجد الحرام و کعبه مشرفه که مقدس ترین مقدسات جهان اسلام است پیوند مستقیم دارد. بنای هر دو مسجد در آغاز از طریق وحی به امر پروردگار به عمل آمده و سپس کعبه مشرفه را حضرت ابراهیم خلیل الله با پسر شان حضرت اسماعیل -علیهم السلام- باز هم به امر خداوند بنا نمودند و به فاصله 40 سال بعد از بنای کعبه مشرفه و مسجد الحرام مطابق حدیث متفق علیه، حضرت یعقوب -علیه السلام- مسجد اقصی را بنا نهاده و سپس بنای آن توسط حضرت سلیمان بن داود -علیهم السلام- تجدید گردید.

در دوره اسلامی معجزه اسراء و معراج، هر دو مسجد مقدس را بهم وصل نمود و حضرت محمد (صلی الله علیه و سلم) در اسراء از مسجد الحرام به مسجد اقصی برده شدند و در معراج از مسجد اقصی به ما فوق آسمانها تا سدرة المنتھی عروج یافتند، و ذکر این معجزه و تقدیر بزرگ الهی از مقام والای خاتم انبیا محمد مصطفی (صلی الله علیه و سلم) با ذکر نام مسجد الحرام و مسجد اقصی در سوره (اسراء) و در سوره (والنجم) در قرآن کریم وارد شده است. مسجد اقصی تا سال دوم هجرت رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) قبله اول مسلمان ها بود و سپس به امر خداوند (عز و جل) کعبه مشرفه و مسجد الحرام به حیث قبله دائمی مسلمان ها انتخاب گردید.

## فلسطین و قدس /

هم جدای فلسطین (غزه و کناره غربی) امکان ترد آزادانه دارند و آنچه که در زندگی عادی روزمره به آن سر و کار دارند، جمع آوری پارچه های اعضای متلاشی شده زنان و مردان و اطفال فلسطین از میان توده های خاک و خشت و سنگ متازل منعدم شده از اثر بمباردمان ها و راکت های اسرائیلی است و هیچ روزی در سرزمین اشغالی فلسطین وجود ندارد که دران فریاد مادران و پدران و یتیمان فلسطین درعقب کاروان های شهدای فلسطین در فضایی از اشک و خون و آتش درهم نه پیچد.

"یگانه مثال یک ملت مظلوم و محروم بعد از فلسطین فقط ملت مسلمان و مجاهد افغانستان است، که متأسفانه امروز بزرگترین تعداد آواره و مهاجر، جنگ و اشغال و سی ساله، فقدان ثبات و امنیت، فساد اداری و دولتی، قافله های شهداء سرزمین خون و آتش، خصوصیات کشور مظلوم افغانستان را تشکیل میدهد".

فلسطین و قدس برای ملت فلسطین یک قضیه ملی و حیاتی است. کشور های عربی مجاور و سائر کشور های عضو جامعه دول عربی قضیه فلسطین را یک قضیه اساسی عربی در رأس قضایای ملی و بین المللی خود تشخیص داده اند. اگرچه صد ها فیصله، مجلس و کنفرانس و مذاکرات در رابطه با این قضیه در سطوح مختلف صورت گرفته است، ولی متأسفانه هیچکدام بدرد ملت فلسطین که حق دارد و لی زور ندارد نخورده است. دولت اسرائیل یگانه دولت فوق قانون با منطق زور و حمایت بیچون و چرا از خارج، هرچه خواسته باشد میتواند عملی کند. این دولت حق دارد بزرگترین قوه اتمومی را در منطقه داشته باشد در حالیکه هیچیک از کشور های منطقه دارای چنین حقی نمیباشدند.

هرگاه نظام های سیاسی در منطقه بحکم تبعیت در برابر قدرت های بزرگ و یا هراس از دست دادن کرسی ها نتوانند جلو ظلم و تجاوز بر حقوق ملی فلسطین را بگیرند جلو بروز حرکت های مقاومت ملی و واکنش های خشونت بار عناصر عقده مند افراطی را نیز گرفته نمی توانند.

فلسطین و قدس /

مقدس ترین مقدسات اسلامی به استناد نصوص قرآن کریم و  
احادیث مبارک نبوی عبارت اند از:

کنفرانس سران در رباط و به وسیله اولین کنفرانس وزرای خارجہ کشور های اسلامی در (1970) در جده تأسیس گردید (هیئت افغانستان در تأسیس این سازمان نقش مؤثر و اساسی داشت و رئیس هیئت افغانی در کنفرانس سران مرحوم نور احمد اعتمادی صدر اعظم وقت و رئیس هیئت افغانی در کنفرانس اول و دوم وزرای خارجہ کشور های اسلامی عبدالستار سیرت وزیر عدیلہ وقت بود). سازمان کنفرانس اسلامی با خاطر ضعف سیاسی دولت های اسلامی در طول چهل سال عمر خود در حل قضایا و مسائل سیاسی جهان اسلام به شمول قضیه اساسی آن (فلسطین) موفقیت قابل ذکری ندارد. اما در سطح اقتصادی و فرهنگی خدماتی را انجام داده است. بانک توسعه اسلامی که مرکز آن در جده است کمک های اقتصادی مهمی به کشور های اسلامی انجام داده و مؤسسات تعلیمی و ثقافتی و مراکز تحقیقات علمی در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی شامل فعالیت گردیده اند.

قضیه فلسطین بصورت کل و مسجد مبارک اقصی بصورت خاص به مرحله نهایت خطیر و قابل نگرانی شدید رسیده است. مواقف ضعیف و ذلیل حکومت های عربی، تفرقه و نفاق در داخل فلسطین، جرئت و جسارت فوق قانون و فشار و کشتار بی رحمانه و توسعه اشغال و احتلال از جانب اسرائیل، سیاست های جانب دارانه و غیر عادلانه از طرف قدرت های بزرگ، ناتوانی مؤسسه ملل متحد و غیره بالاخره قضیه را به جانبی سوق خواهد داد که برگشت از آن ناممکن و عواقب آن برای هر طرف فاجعه بار خواهد بود.

شواهد فراوان نشان میدهد که دسائی استعماری به ضد مسجد اقصی به اشکال مختلف آن در جریان است. امروز حفرياتی را به بهانه های متعدد در محیط حرم مبارک مسجد اقصی به راه انداخته اند که وجود و هستی مسجد اقصی را هدف قرار داده است. اگر روزی خدای نخواسته این مسجد سقوط کند و منهدم گردد در آنصورت حجم فاجعه به حدی خواهد بود که نه فقط کشور های اسلامی بل نظام عمومی جهانی هم از خطر آن در امان نخواهد ماند.

مسجد الحرام که کعبه مشرفه در قلب آن واقع است، مسجد مبارک نبوی در مدینه منوره و مسجد اقصی در بیت المقدس ثواب نماز و دیگر اعمال خیر در حرم مبارک مسجد الحرام صد هزار مرتبه و در مسجد مبارک نبوی یک هزار مرتبه و در مسجد اقصی پنجصد مرتبه بیشتر از دیگر اماکن است و هیچ مقام دیگر از لحظه قداست و عظمت در ردیف این سه مسجد ذکر نشده است. دوره های متعدد فتح و ادراة اسلامی، و داخل شدن شخص حضرت عمر فاروق رضی الله عنہ- در بیت المقدس و تسليم شدن زمام اداره آن به ارزش اسلامی قدس و مسجد اقصی می افرايد.

وجود مقدسات ادیان سماوی دیگر در بیت المقدس قلوب اتباع دیگر دیانت ها را نیز به سوی قدس می کشاند ، و اسلام و نظام اسلامی به آن احترام می گذارد و اجازه نمی دهد هیچ طرفی به مقدسات جانب دیگر تجاوز نماید ، چنانکه تجاوز به مسجد اقصی را به هیچ صورتی تحمل نخواهد کرد.

در تاریخ معاصر و قابع بیت المقدس در سال (1969) حریقی در مسجد اقصی واقع شد، و البته آن یگانه مثال سوء قصد به مسجد اقصی نبود و نیست، اما زعمای دولت های اسلامی برای بار اول تکانی احساس کردند و قضیه مسجد اقصی از انحصار دائرة اهتمام کشور های عربی بیرون شد و زعمای عرب مخصوصاً شاه فیصل بن عبدالعزیز پادشاه فقید عربستان سعودی، و شاه حسن دوم پادشاه فقید المغرب به عوض جامعه دول عربی نخستین کنفرانس سران کشور های اسلامی را دعوت کردند. این کنفرانس در (1969) در رباط مرکز المغرب داشت و بعد از آن تا حال در هر سه سال یکبار کنفرانس سران کشور های اسلامی و در هر یکسال کنفرانس وزرای خارجہ کشور های اسلامی جهت مطالعه اوضاع و قضایای جهان اسلام دائر میگردد و سازمان کنفرانس کشور های اسلامی (او. آی. سی) به تصمیم اولین

علوم نیست که قواعد فقهی که موجود است از عمل و استنباط کدام شخص فقهی می باشد مگر آن قاعده ایکه در آن نص از حدیث شریف است مانند قاعده «لا ضرر ولا ضرار» و یا اثری که از بعضی امامان مذاهب و کبار شاگردان شان باقی مانده که بعداً بشکل قاعده فقهی شناخته شده است مثل قول امام ابو یوسف مصاحب امام ابو حنیفه که در کتاب خود بنام :

{الخارج} برای خلیفه عباسی هارون الرشید تدوین نمود آمده که : {ليس للإمام أن يخرج شيئاً من يد أحد إلا بحق ثابت معروف}\* برای امام نیست که یک شی یا چیزی را از دست کسی خارج سازد مگر به حق ثابت و معروف}\* مراجعت شود به «الخارج» فصل موات الأرض، و رد المحتار 257).

اما قواعد اساسی فقهی عمل فقهای بزرگ مذاهب می باشد که بعد از پاک سازی و استدلال احکام فقهی و اجتهادات امامان مذاهب و خصوصاً بعد از تثبیت مذاهب تهییه و ترتیب و با ادله تحریر یافت. مذهب حنفی ظاهراً اسبق و قدیمترین مذاهب چهارگانه است که فقهای شکل و مبادی قواعد فقهی را بشکل قواعد معین ترتیب و اساسات آنرا پایه گذاری نمودند و بعد از ایشان فقهای مذاهب دیگر بدان دسترسی پیدا کردند.

قواعد کلی فقهی در نزد امامان و فقهای مذهب حنفی بنام {أصول} یاد می شد چنانکه القرافی می گوید. مثلاً در شرح و تعلیلات احکام ملاحظه می گردد که مؤلفین در قواعد می گویند که : {من أصول أبي حنيفه أو الأصل عند أبي حنيفه كذا و كذا}.

یعنی اصول ابی حنیفه و یا اصل در نزد ابی حنیفه این و آن است و بعضی از این قواعد را ذکر می کنند مثلیکه در کتاب : {تأسیس النظر} اثر الدبوسی و در قواعد الکرخی می خوانیم قدیمترین روایتی که در جمع قواعد کلی فقهی در مذهب حنفی بصورت و شکل فقهی آن روایت شده از علامه ابن نجیم در مقدمه کتاب وی بنام {الأشیاء والناظر}..... ادامه در صفحه هشتم /

## سیر تاریخی قواعد کلی فقهی

(۱)

### فقهای مذهب حنفی مؤسس قواعد کلی فقهی اند

مقدمه: برای معلومات عمومی برادران و خواهران مسلمان خود در این سلسله خواستیم تا قواعد کلی فقهی را معرفی نمائیم زیرا دانستن قواعد کلی فقهی ما را در فهم موضوعات مهم فقهی کمک می کند و آشنائی به قواعد کلی فقهی ثقافت عمومی مسلمانان را از دیاد می بخشد. این سلسله را از کتاب :

{شرح القواعد الفقهیه}\* تأليف الشیخ احمد بن الشیخ محمد الزرقا\* طبع دوم 1357، دمشق} ترجمه کرده و خاطر نشان می نمائیم که قواعد کلی فقهی در این کتاب باسas مذهب حنفی می باشد.

### معنی قواعد کلی فقهی:

قاعده در لغت: در لغت قاعده معنی آن اساس است مثل اساس منزل چنانکه حضرت خداوند سبحانه و تعالی در بناه کعبه می فرماید : {و إِذ يرْفَعُ إِبْرَاهِيمَ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلَ} مرجع: المصباح، وغريب القرآن للسجستانی.

قاعده در اصطلاح نحو: بمعنى ضابط و به معنی حکم منطبق بالای تمام جزئیات آن است.

قاعده در اصطلاح فقهاء: عبارت از حکمی کلی که تطبیق می شود بالای معظم اجزای آن بطور مثال :

«الأمور بمقاصدها» \* امور به مقصد ها آن و همچنان:

«الأصل بقاء ما كان على ما كان حتى يقوم الدليل على خلافه \* اصل باقی می ماند تا اینکه دلیل برخلاف آن بیاید».

قواعد کلی فقهی در اصطلاح قانون امروز بنام «مبادی» \* جمع مبداء یعنی (Principle) یاد می شود.

قواعد کلی فقهی در فقه اسلامی تمام آن مانند نصوص قانون معاصر که توسط یک کمیته و در وقت معین تدوین می شود تدوین نگردیده بلکه به اوقات متعدد در عصور طلائی فقه و نهضت علمی آن توسط کبار فقهای مذاهب از اهل تخریج و ترجیح با استنباط از دلائل نصوص عمومی شریعت و مبادی اصول فقه و تعلیل احکام و مقررات عقلی تدوین گردیده است.

فضل غنی مجددی

## جمع بین رجاء و خوف

خداؤند سبحانه و تعالیٰ می فرماید : « نبی عبادی این انا الغفور الرحیم » بندگانم با خبر ساز که من هستم غفور و رحیم . از اینجا دروازه رجاء و امید بروی مردم باز می شود تا از روح یعنی رحمت و مغفرت خداوند مأیوس نباشد .

خداؤند مؤمنان را وعده میدهد و می فرماید : « انهلاس من روح الله إلا القوم الكافرون \* هر آئینه ( سخن اینست که ) نا امید نمی شوند از رحمت خدا مگر گروه کافران \* یوسف: 87 و در آیه دیگر می فرماید : « بگو ( از طرف من ) ای آن بندگان من که تجاوز از حد کردند بر خودنا امید مشوید از رحمت خدا هر آئینه خدا می آمرزد گناهان را همه هر آئینه خدا اوست آمرزگار مهریان \* الزمر: 53 ». در سوره الحجر آیه 56 خداوند می فرماید : « گفت و کیست که نا امید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان ». و در آیه دیگر خداوند می فرماید « و ان عذابی هو العذاب الألیم » و عذاب من ؛ عذاب درد ناک است .

مؤمن باید متوجه باشد که بعد از مغفرت و رحمت خداوند عذاب را ذکر می کند و بهمین ترتیب بعد از رجاء ، خوف می آید و انسان باید بین رجاء و خوف جدائی را نیاورد . انسان از مغفرت و رحمت خداوند مغور نشود مثلیکه قوم یهود شد . مسلمان باید مغفرت را انتظار و همچنان از عذاب خدا ترس در دل داشته باشد . خداوند عذاب خود را چنانکه در آیه قبل دیدیم بنام عذاب الیم یعنی شدید یاد کرده .

غفور و رحیم ، خداوند مغفرت و رحمت را ضمن اسماء و صفات خود ذکر می کند و عذاب را ضمن اسماء و صفات خود ذکر نمی کند مثلاً نمی گوید « المعدب » و عذاب از جمله اسماء و صفات الله نیست بلکه از جمله افعال خداوند است و فرق بین اسم و فعل و صفات زیاد است . رحمت خداوند قبل از عذاب می آید .

و در حدیث شریف رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید : ( إن رحمتى غلبت عضبى ) البته نقل قول از خداوند است که رحمت من بالای غضبیم غلبه یافت . ( البخاری 3194 مسلم در توبه 2751 ، احمد 7500 ، النسائی 7703 ) .

از آیات قرآنی میدانیم که رحمت خداوند قبل از عذاب او ذکر شده و رحمت و مغفرت از جمله اسماء و صفات و عذاب از

جمله افعال الله سبحانه می باشد و مغفرت و رحمت بر عذاب غلبه دارد با نهم باید مسلمانان متوجه عذاب الهی نیز باشند و به رحمت و مغفرت مغور نشوند .

## توازن یا تعادل بین رجاء و خوف :

بر ما واجب است که از عذاب خداوند بترسمیم و رحمت خداوند را بخواهیم و به جنت طمع داشته باشیم . خداوند بندگان صالح خود را اینطور توصیف می کند : « یرجون رحمته و یخافون عذابه \* الإسراء : 57 ». یعنی توقع و امید دارند رحمت او را و می ترسند از عذاب او هر آئینه هست عذاب پروردگار تو ترسناک . در آیه دیگر خداوند بندۀ مؤمن را اینطور معرفی می کند : « آیا آن نا سپاس مشرک بهتر است ) یا کسیکه عبادت کننده است در ساعتهائی از شب سجدۀ کنان و ایستاده شده می ترسد از آخرت و امید میدارد رحمت پروردگار خود را \* الزمر: 9 . » .

خوف از یک جانب و رجاء از جانب دیگر در این حالت است که تعادل بین هر دو برقرار می شود و انسان باید بین رجاء و خوف زندگی داشته باشد و در زندگی رجاء بر انسان غلبه نمی کند تا اینکه انسان از مکر خداوند با آمان نماند .

« فلا يأمن من مكر الله إلا القوم الخاسرون \* الاعراف: 99 » یعنی : آیا ایمن شدند از مکر خدا پس ایمن نمی شوند از مکر خداوند به آمان می مانند که حقاً مؤمن باشند . از جانب دیگر باید خوف و ترس بر انسان باندازه غلبه کند بد رجه ایکه از رحمت و مغفرت خداوند مأیوس شود زیرا از رحمت و مغفرت خداوند چنانکه در سوره یوسف آیه 89 خواندیم فقط قوم کافر مأیوس می باشد .

قرآن کریم در آیات متعدد بین رجاء و خوف جمع را می آورد تا انسان مؤمن تعادل یا توازن را بین هر دو در زندگی خود قائم نماید و توازن و تعادل زمانی مسیر است که انسان در راه خدا حرکت داشته باشد و طالب رضوان و مغفرت و رحمت خداوند باشد و دوری نماید از غضب خداوند سبحانه و تعالیٰ .

است و چنانکه ملاحظه شد ابن نجیم قواعد فقهی کلی را که امام الدباس جمع نموده بود در 17 قاعدة آورده است. در قواعد امام الکرخی اگر بدقت ملاحظه شود دیده می شود که قواعد فقهی که جمع نموده بعضی آن به معنی قاعدة که آنرا شرح دادیم نیست بلکه نظریات و توجیهات بزرگان مذهب از مسائل می باشد.

آنچه از سطور گذشته می آموزیم خلاصه آن این است که همین قواعد عبارت از مفاهیم و مبادی عمدۀ فقه بوده که حرکت تدوینی آن در اوایل قرن سوم هجری عملی شد لیکن اصول و معانی فقهی آن قبل بر آن که تدوین شود نزد فقهاء معلوم بود و باسas آن اساسات علمی خود را عیار می کردند باید دانست که قواعد کلی فقه غیر از ( اصول فقه ) است زیرا اصول فقه علم خاص است که توسط آن از شیوه علمی تفسیر نصوص و فهم معانی و استنباط احکام استفاده می شود.

تا اینکه امام أبو زيد عبید الله بن عمر الدبوسي الحنفي آمد و کتاب خود را بنام «تأسیس النظر» تأليف کرد. وی در آن جمعی از ضوابط خاص فقهی را که در موضوع خاص بود آورد و قواعد کلی فقهی را تدوین کرد { الدبوسي از بزرگان فقهای مذهب حنفی است که مثال مهم در نظریات فقهی بین علماء مثال مهم می باشد. و ابن خلکان الدبوسي را شخص اول در علم اختلاف بین فقهاء می داند. }

\* علم اختلاف ققهاء در اصطلاح علم حقوق جدید بنام «فقه مقارن» یاد می شود. بدین ترتیب الدبوسي رحمة الله اولین فقهی بود که در تنظیم، بحث و تحقیق در فقه مقارن بین مذاهب بذل توجه کرد و فقه اختلاف فقهاء را بصفت علم مستقل معرفی نمود.  
کتاب الدبوسي - تأسیس النظر - با قواعد امام الکرخی در مطبعه ادبی مصر بچاپ رسیده است}.

سیر تاریخی قواعد کلی فقهی

است در حلبیکه امام ابا طاهر الدباس - که در قرن سوم و چهارم هجری - می زیست مهمترین قواعد مذهب ابو حنیفه را در 17 قاعدة کلی جمع نموده بود. ابو طاهر نا بینا بود و هر شب در مسجد خود بعد از خارج شدن مردم از مسجد قواعد کلی فقهی ابو حنیفه را تکرار می کرد و ابن نجیم ذکر می کند که ابو سعید الهرموی الشافعی بخدمت ابو طاهر رفته و ازوی بعضی از قواعد کلی فقهی را نقل نموده و از آن جمله پنج قاعدة که مهترین و مادر قواعد کلی فقهی یاد می شود که در آن مبادی شریعت و امور اجتهادی خلاصه می شود.

1- الأمور بمقاصدها \* 2- الضرر يزال \* 3- العادة محكمة \* 4- اليقين لا يزول بالشك \* 5- المشقة تجلب التيسير \* . قدیمترین مجموعه این قواعد کلی فقهی که بشکل رساله خاص بدست رسیده قواعد امام ابی الحسن الکرخی است که آنرا امام نجم الدین أبو حفص عمر النسفی الحنفی متوفی سال 537 / هجری شرح و توضیح نموده است.

\* امام الکرخی و امام الدباس معاصر هم بودند و هر دو از بزرگان طبقات علیا در مذهب حنفی اند و لیکن امام الکرخی شهرت بیشتر دارد.

\* امام الکرخی : ابو الحسن عبید الله بن الحسین الکرخی نسبت به کرخ عراق دارد . در سال 260 هجری / تولد و در سال 340 / هجری وفات نمود و ریاست مذهب حنفی را بعده داشت.

\* امام الدباس : ابو طاهر محمد بن محمد الدباس ، امام مردم رأی در عراق بود و روایات را حفظ داشت و در فهم آن استاد بود از اقارب امام الکرخی بود . و قاضی شام بود \* برای مزید معلومات مراجعه شود به :

( الفوائد البهیه فی تراجم الحنفیه \* تأليف الشیخ عبد الحی اللکنوی، صفحه: 109 و 187 ) .

ظاهر آن است که امام الکرخی قواعد کلی فقهی را که ابو طاهر الدباس جمع نموده بود گرفته و در آن اضافاتی آورده بعدا بنام : مجموع الکرخی معروف شده که شامل 37 قاعدة

### آدرس فقه اسلامی

Mogaddedi Fazl Ghani  
201 Washington Blvd # 104  
Fremont , ca 94539  
U.S.A  
Tel ( 510 ) 979 – 9489  
[fazlghanimogaddedi@yahoo.com](mailto:fazlghanimogaddedi@yahoo.com)